

عنوان مقاله:

بررسی ریشه های نظریه فقر وجودی ممکنات در حکمت سینوی

محل انتشار:

دوفصلنامه حکمت سینوی (مشکوه النور)، دوره 17، شماره 50 (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسندگان:

مرضیه افراسیابی - دانشجوی دکتری فلسفه غرب دانشگاه تهران

حمید طالب زاده - دانشیار گروه فلسفه غرب دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

در مساله مناط نیاز معلول به علت مشهور این است که حکمای پیش صدراپی قایل به نظریه امکان ماهوی معلول هستند، یعنی برآن اند که لاقضایت ماهیت معلول نسبت به وجود و عدم عامل نیازمندی معلول به علت برشمرده می شود. در مقابل، صدرالمتهین بنابر اصل اساسی اصالت وجود و اعتباریت ماهیت مناط نیاز معلول به علت را در وجود ممکنات می داند نه در ماهیتشان و از این رو قایل به نظریه فقر وجودی است. با بررسی های بیشتر و پیگیری ریشه های این نظریه در برخی از آثار ابن سینا میتوان گفت وی نیز به نظریه فقر وجودی توجه داشته است. ابن سینا با فاصله گرفتن آشکار از سنت ارسطویی در باب مسئله علیت و توجه به فاعل الهی، علت را وجود دهنده به معلومی داند و با بیانات مختلفی بیان می کند که فقر و حاجت معلول به علت در وجود آن است. از این رو ابن سینا علاوه بر نفی دیدگاه متکلمین که حدوث زمانی را مناط نیاز به علت می دانستند، نسبت به حکمای پیشین که مناط نیاز به علت را در ماهیت لاقضای معلول می دیدند، گامی جلوتر می نهد و دربیاناتی چند به صراحت بیان می کند که عامل نیاز معلول به علت وجود تعلقی اوست که عین حقیقت معلول است. هرچند با توجه به بیانات پراکنده و مختلف ابن سینا در باب مناط نیاز معلول به علت نمی توان وی را قایل به نظریه فقر وجودی دانست، اما پیگیری نشانه های این نظریه در آثار و بیانیگر آن است که می توان او را راهگشای این نظریه بدیع صدراپی دانست.

کلمات کلیدی:

فقر وجودی، وجود رابط، امکان ماهوی، جعل، علیت، مناط نیاز معلول به علت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/703526>

